



گفت‌وگو با «محمد لاهوتی» رییس کنفدراسیون صادرات ایران

با نبود استراتژی صادرات صادرکنندگان در بازارهای جهانی بدنام می‌شوند

به دلایل ساختاری و برخی اشکالات مزمن در اقتصاد ایران، هیچ‌گاه تولید و صادرات آن نتوانسته به جایگاهی در حد ظرفیت عظیم خود برسد. راهبرد افزایش تجارت با کشورهای همسایه و کشورهای مهمی مانند چین مدت‌های مدیدی است که در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است، اما از آنجا که فعالان بخش خصوصی این کشورها به لحاظ شرایط تحریمی در انجام همکاری تجاری با ایران، خود را در معرض آسیب می‌بینند، عمدتاً کار به اندازه‌ای که ظرفیت وجود دارد پیش نمی‌رود. از سوی دیگر علی‌رغم اینکه دولت بارها موضوع تجارت با ارزش‌های ملی را مطرح کرده، اما در عمل نظام پرداخت در کشورهای مقابل، حتی کشورهای همسایه امکان‌پذیر نشده است و همین امر نقل و انتقال پول را که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تجارت خارجی است، دچار مشکل کرده است. عملاً در حوزه تجارت با همسایگان نه تنها زیرساخت‌ها فراهم نیست، بلکه دولت گاهی روندی را که سال‌های سال شکل گرفته بوده است، دچار وقفه و چالش می‌کند. البته در این میان انعقاد پیمان‌های تجاری با کشورهای اوراسیا و الحاق ایران به این اتحادیه اقتصادی می‌تواند در صورت همت دولت چهاردهم به یک ظرفیت خوب برای تجارت با همسایگان تبدیل شود. بهبود فضای کسب‌وکار، رعایت ملاحظات صادراتی در وضع عوارض مربوطه و برگشت بخشی از آن به بازسازی و نوسازی صنایع و ارائه مشوق به صادرکنندگان، حل‌وفصل اختلافات فعالان اقتصادی با دولت بر سر شیوه‌های بازگشت ارز صادراتی، احیای جایگاه سازمان توسعه تجارت به‌عنوان متولی تجارت خارجی کشور و اصلاح پایه‌های صادراتی می‌تواند منجر به رشد صادرات شود. دولت باید با تشکیل کمیته پایش و بازنگری در قوانین و مقررات مخرب و محل در توسعه صادرات، زمینه را برای رشد تجارت کشور فراهم نماید؛ این موضوع یکی از پیشنهادات کنفدراسیون صادرات ایران به رییس‌جمهور بوده است.

شرح کامل گفت‌وگو با محمد لاهوتی، رییس کنفدراسیون صادرات ایران را در ادامه مطالعه کنیم.



تا بلکه اطمینان حاصل نماید که ارز حاصل از صادرات به کشور برمی‌گردد، اما متأسفانه راهکارهایی که عملاً بابت رفع تعهد ارزی و بازگشت ارز صادراتی تعیین می‌کند، بعضاً عملیاتی نیست و صادرکنندگان را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد؛ بنابراین نه تنها روند صادرات کند می‌شود، بلکه بسیاری از صادرکنندگان به دلیل ترس از تشکیل پرونده‌های قضایی بابت عدم رفع تعهد ارزی از یک‌سو و عملیاتی نبودن راهکارهای تکلیفی دولت برای بازگشت ارز از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی‌های تحریم، دست از صادرات کشیده یا صادرات خود را بسیار محدود کرده‌اند که این خود، مانعی برای دستیابی ایران به جایگاه حقیقی صادرات است. در واقع فضاهای بازگشت ارز صادراتی و مشکلاتی که پیش روی صادرکنندگان در بازگشت ارز وجود دارد و نرخ‌های دولت به صورت تکلیفی برای بازگشت ارز صادراتی در قالب تکلیف به عرضه در سامانه نیما تعیین کرده است، سبب شده تا علیرغم کاهش ارزش پول ملی، صادرات هم کاهش یابد و این اتفاقی نادر در دنیا به شمار می‌رود که حتی می‌تواند در دنیا به‌عنوان یک موضوع موردی در مطالعات دانشگاهی مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه این یک تئوری پذیرفته شده است که بسیاری از کشورها همچون چین از آن بهره گرفته‌اند

تحریم و دسترسی محدود به منابع ارزی حاصل از فروش نفت صورت گرفته است که فشارها بر صادرکنندگان را برای بازگشت ارز صادراتی به کشور افزایش داده و به‌نوعی موضوع تعهدات ارزی را به‌عنوان یک راهبرد اصلی تأمین ارز مورد نیاز واردات کشور تعیین نموده است. بسیاری از صادرکنندگان طی سنوات گذشته و بخصوص از سال ۱۳۹۷ به بعد به دلیل نقش‌آفرینی هر چه بیشتر سیاست‌گذار ارزی در عرصه‌های تجاری با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند. البته این یک اختلاف دیرینه میان سیاست‌گذار ارزی و فعالان اقتصادی است؛ چراکه فعالان اقتصادی هم باور دارند و البته راهی جز این ندارند که ارز حاصل از صادرات خود را به کشور برگردانند، چراکه این منابع باید صرف تولید مجدد محصولات صادراتی و خرید مواد اولیه گردد، در غیر این صورت، چرخ تولید از حرکت باز خواهد ایستاد، حال آنکه دلیل این اختلاف نظر، شیوه‌ها و راهکارهایی است که سیاست‌گذار ارزی پیش روی صادرکنندگان قرار داده است

فضاهای بازگشت ارز صادراتی و مشکلاتی که پیش روی صادرکنندگان در بازگشت ارز وجود دارد و نرخ‌های دولت به صورت تکلیفی برای بازگشت ارز صادراتی در قالب تکلیف به عرضه در سامانه نیما تعیین کرده است، سبب شده تا علیرغم کاهش ارزش پول ملی، صادرات هم کاهش یابد و این اتفاقی نادر در دنیا به شمار می‌رود که حتی می‌تواند در دنیا به‌عنوان یک موضوع موردی در مطالعات دانشگاهی مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه این یک تئوری پذیرفته شده است که بسیاری از کشورها همچون چین از آن بهره گرفته‌اند و برای رونق صادرات و ارزآوری خود حتی پول ملی خود می‌کنند؛ در حالی که در ایران، به دلیل ریل‌گذاری دولت، درست برعکس این اتفاق به وقوع پیوست.

◆ چگونه اگر جزو ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان هستیم، جزو ۲۰ کشور صادرکننده بزرگ دنیا نیستیم؟

واقعیت آن است که ایران ظرفیت‌های بسیاری برای تبدیل شدن به یکی از بیست کشور بزرگ صادرکننده دنیا دارد؛ به این معنا که پتانسیل‌های بسیار خوب آب و هوایی، انرژی ارزان، موقعیت استراتژیک و نیروی انسانی جوان و کارآمد از جمله شاخصه‌هایی است که می‌تواند کشور را در حوزه کالاهای متنوع و ارزآور یاری رساند؛ اما به دلایل ساختاری و برخی اشکالاتی که به‌صورت سنواتی و مزمن در اقتصاد ایران وجود دارد، هیچ‌گاه تولید و صادرات ایران نتوانسته به جایگاهی که ناشی از وجود این ظرفیت‌های عظیم در آن وجود دارد، دست یابد. در عین حال، وجود مشکلات و پیچیدگی‌های تجاری ناشی از تحریم و محدودیت‌هایی که در حوزه‌های مختلف اعم از بانکی، نقل‌وانتقالات پول، عدم سرمایه‌گذاری‌های جدید و تجهیز کارخانه‌ها و خطوط تولیدی کشور به تکنولوژی‌های روز دنیا نیز عدم استفاده کافی از این ظرفیت‌ها را دچار مشکل کرده است. نگاهی به بازه‌های زمانی که این مشکلات در اقتصاد ایران کمتر بوده، به‌خوبی نشان می‌دهد که به‌روز بودن تجهیزات تولید و واردات ماشین‌آلات تکنولوژیک دنیا، توانسته نه تنها فضای اقتصادی کشور را به لحاظ سطح اشتغال و بازار رسانی کالاها بهبود دهد، بلکه در عرصه صادرات و ارزآوری نیز تغییرات بسیار عمده‌ای شکل گرفته است؛ اما در نقطه مقابل، درست وقتی که محدودیت‌ها بیشتر شده و اقتصاد ایران در حوزه‌های مختلفی همچون تورم، نقدینگی مخرب سرگردان و تشدید تحریم‌ها با چالش‌های جدی بویژه در یک دهه گذشته مواجه شده، روند تولید نیز با ضعف‌های بسیاری روبه‌رو شده و به‌تبع آن صادرات هم تحت تأثیر قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت دیگری که در رابطه با عدم دستیابی ایران به یک جایگاه حائز اهمیت در باشگاه صادرکنندگان دنیا وجود دارد، برخی قوانین و مقرراتی است که طی سنوات گذشته به‌خصوص طی یک دهه اخیر از سوی دولت به دلیل مدیریت موضوعات

و برای رونق صادرات و ارزآوری خود حتی به صورت تصنعی اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود می‌کنند؛ در حالی که در ایران، به دلیل ریل گذاری دولت، درست برعکس این اتفاق به وقوع پیوست. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، نبود یک استراتژی مشخص و معین برای حضور کالاهای ایرانی در بازارهای صادراتی است که متأسفانه صادرکنندگان ایرانی را در برخی بازارهای جهانی بدنام کرده است؛ چراکه ماندگاری کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی به حداقل رسیده و این ناشی از مجموعه سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تنظیم بازار است که از سوی دولت صورت می‌گیرد و به صورت یک‌شبه، قوانینی وضع می‌شود که صادرات کالاها را به برخی از کشورها با وقفه مواجه ساخته و تعهدات صادراتی را با چالش روبه‌رو می‌کند و این منجر به بی‌اعتمادی در بازار می‌شود. در این میان البته قوانین بالادستی اجازه چنین رفتاری از سوی دولت نمی‌دهد، اما متأسفانه به این قوانین توجهی نمی‌شود و همین امر سبب می‌گردد تا علیرغم قوانین بالادستی، یک‌شبه قوانین محدودکننده صادرات وضع شود و صادرکنندگانی که کالاهایشان حتی لب مرز در موقع خروج از کشور به سمت بازارهای صادراتی به دلیل صدور بخشنامه‌های یک‌شبه متوقف می‌گردند، در بازارهای جهانی بدنام می‌شوند. مواردی از این دست بسیار زیاد است و همه این‌ها دست به دست هم داده تا نتوان به جایگاه واقعی ایران در بازارهای صادراتی جهانی دست یافت.

◆ امروز ارزیابی شما از کار کشورها با ایران بر اساس چشم‌انداز و یا پیشینه روابط آن‌ها چیست؟

واقعیت آن است که بازارهای هدف صادراتی که عموماً کشورهای همسایه ایران را شامل می‌شوند و بسیار هم در دوران تحریم، مورد توجه دولت‌ها بویژه دولت سیزدهم قرار گرفته‌اند نیز از این قواعدهی که در پاسخ به سؤال قبلی اشاره کردم، مستثنی نیستند. به این معنا که بعضاً در کشورهای حاشیه دریای خزر نیز بارها این مسائل پیش روی

صادرکنندگان قرار گرفته است که به دلیل بخشنامه‌های یک‌شبه دولت، محصولات کشاورزی و جالبی در صادرات به این کشورها دچار مشکل شده است؛ بنابراین در این حوزه خیلی تفاوتی نمی‌توان حاصل کرد؛ چراکه این بخش هم درگیر چالش‌های کلان حوزه صادرات غیرنفتی است. البته راهبرد افزایش تجارت با کشورهای همسایه و سایر کشورهای مهم همچون چین، مدت‌های مدیدی است که در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است، اما از آنجا که بخش خصوصی این کشورها به لحاظ شرایط تحریم خود را در معرض آسیب در انجام همکاری‌های تجاری با ایران می‌بینند، عمدتاً کار به اندازه‌ای که ظرفیت وجود دارد، پیش نمی‌رود. از سوی دیگر، علیرغم این که دولت بارها موضوع تجارت با ارزهای ملی را مطرح کرده، ولی در عمل نظام‌های پرداخت در کشورهای مقابل حتی در کشورهای همسایه نیز امکان‌پذیر نشده و همین امر، مسائل و مشکلاتی را در نقل و انتقال پول که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تجارت خارجی است، دچار مشکل کرده است؛ ضمن این که حتی در شرایطی هم که این نقل و انتقال پول صورت گرفته، با هزینه‌های بسیار بالا و سرسام‌آور انجام شده است و عملاً، موضوع صادرات را برای صادرکنندگان از حیز انتفاع خارج کرده است. نکته دیگری که باید به‌عنوان تجربه در تجارت خارجی با کشورهای همسایه به آن اشاره کرد، موضوع تجارت با کشور عراق است که آن هم به دلیل سیاست‌های دولت از سال ۱۳۹۷ به بعد عملاً تجارت با این کشور که عمدتاً مبتنی بر صادرات ایران به عراق است، دچار مسئله شده است. در واقع علیرغم این که در گذشته و به صورت سنواتی، واردکنندگان عراقی از درب کارخانه‌های ایرانی کالاهای خود را تهیه کرده و به کشور خود منتقل می‌کردند و ما به ازای آن، ریال به تولیدکنندگان پرداخت می‌نمودند، اما دولت اجازه صادرات ریالی را مسدود کرده و عملاً اجازه صادرات ریالی را نمی‌دهد، چراکه آن را صادرات ارزآور نمی‌داند؛ بنابراین خلل بزرگی در صادرات کالاهای ایرانی به عراق

حاصل شده است. از سوی دیگر، دولت بسیار کند و با وقفه زمانی بسیار، موضوع صادرات ریالی به عراق و افغانستان را به جهت بازگشت ارز حاصل از صادرات تعیین تکلیف نمود و همین امر بسیاری از صادرکنندگانی را که در گذشته به صورت ریالی کالاهای خود را به تجار عراقی می‌فروختند با چالش‌های جدی مواجه ساخت؛ پس عملاً در حوزه تجارت و صادرات به همسایگان نیز نه تنها زیرساخت‌ها فراهم نیست؛ بلکه دولت گاهی روندی که از سال‌های سال شکل گرفته بود را نیز دچار وقفه و چالش می‌کند. در مورد سایر کشورها نیز موضوع به همین منوال است. البته بعد از جنگ روسیه و اوکراین و اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه از سوی اروپایی‌ها و آمریکا بر علیه اقتصاد روسیه، مسیر تجارت ایران و روسیه هموارتر شده و از طریق راه‌اندازی کریدور شمال- جنوب و تجهیز کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به شناورهای متنوع و جدید، مسیر تجارت با روسیه رو به رشد رفته است؛ حال آن که در گذشته مشکلات بسیاری در این حوزه وجود داشته است. نکته حائز اهمیت دیگر، انعقاد پیمان‌های تجاری با کشورهایی همچون اوراسیا و الحاق ایران به این اتحادیه اقتصادی است که می‌تواند در صورت همت دولت چهاردهم، به یک ظرفیت خوب برای تجارت با همسایگان تبدیل شود.

◆ محدودیت‌های تجاری کشور چقدر ساختاری

و چقدر عملیاتی است؟

به نظرم پاسخ به این سؤال شما را به تفصیل در دو سؤال قبل اعلام کردم؛ اما کلیت ماجرا این است که محدودیت‌های تجاری بیشتر از جنس عدم اعتماد به فعالان اقتصادی و صادرکنندگان صاحب نام کشور است. این موضوع را می‌توان در حوزه‌هایی همچون اعمال سقف و سابقه برای کارت‌های بازرگانی یا مراحل بازگشت ارز صادراتی در کنار بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های یک‌شبه و بعضاً متناقض و متضاد به‌خوبی مشاهده کرد. علیرغم نامه‌نگاری‌های متعدد اتاق‌های بازرگانی و کنفدراسیون صادرات ایران، دولت همچنان



برای برخی از معضلات پیش روی صادرات چاره‌اندیشی نکرده و همچنان بر مسیر غلطی که انتخاب کرده، پافشاری می‌کند؛ بنابراین بخشی از محدودیت‌ها ناشی از ساختارهای اقتصادی و نبود زیرساخت‌های فنی و عمرانی است که نمونه آن ظرف سال‌های گذشته، عدم تجهیز بنادر به تجهیزات مدرن تخلیه و بارگیری است و بخشی دیگر ناشی از نوع نگاه غلط سیاست‌گذار است که موضوعی بسیار حائز اهمیت به شمار می‌رود.

♦♦ روش‌های جدید و بهبود یافته برای عملیات تجاری در جریان نوآوری در فرآیند کسب‌وکارها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال دنیای امروز، دنیای تحولات تکنولوژیک است و همان‌طور که مطلع هستید، ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف تجاری و اقتصادی از کشتی‌های خودران برای حمل کالاها گرفته تا اپراتورهای بندری مدرنی که به‌سرعت و با هزینه بسیار کم، تجارت را تسهیل می‌کنند. از سوی دیگر، دنیای امروز تجارت، دنیای بسیار متفاوت و پیشرفته‌تری از گذشته است؛ از ورود رمز ارزها و ارزهای دیجیتال گرفته تا هوش مصنوعی و کارمندان خلاقیتی که مسیر همکاری‌های مشترک در عرصه تجارت را تغییر داده‌اند؛ به همین دلیل این روزها جنگ در دنیا بیشتر متمرکز بر جنگ‌های تجاری است و همه کشورها تلاش دارند با تجهیز خود به منابع و تجهیزات روز، اقتصاد خود را مصون داشته و منافع حداکثری را برای خود کسب کنند. حتی این ایده مطرح می‌شود که دیگر قوانین و قواعدی که سازمان جهانی تجارت وضع کرده بود، پاسخگو نیست و همه به شکل واقعی به سمت یک دهکده جهانی در همه ابعاد و زیرساخت‌های خود حرکت کرده‌اند و مرزهای تجاری هم در حال جابجایی است.

♦♦ در مورد وجود محرک‌های صادراتی در کشور چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید.

به نظر می‌رسد بهبود فضای کسب‌وکار و پایبندی دولت به مجموعه قوانین و مقرراتی که

به نظر می‌رسد جایگاه سازمان توسعه تجارت به‌عنوان متولی تجارت خارجی کشور باید احیا شود یا حتی در پیشنهادهاتی که در قالب یک نامه رسمی از سوی کنفدراسیون صادرات ایران به رییس‌جمهور منتخب ارسال شده است، عنوان شده که سازمان توسعه تجارت به معاونت ریاست جمهوری ارتقاء یابد. در عین حال، اصلاح پایه‌های صادراتی هم می‌تواند در حوزه‌های مختلف کالایی منجر به رشد صادرات شود.

♦♦ برنامه‌های دولت برای توسعه صادرات چه تأثیری بر عملکرد بنگاه‌ها و صادرکنندگان داشته است؟

به هر حال در بخش محرک‌های صادراتی هم به این موضوع اشاره کردم. هر تصمیمی دولت می‌تواند آثار و تبعات مثبت و منفی خود را به‌جای بگذارد؛ ولی آنچه مسلم است آن است که دولت باید با تشکیل یک کمیته پایش و بازنگری در قوانین و مقررات مخرب و مخل در توسعه صادرات، زمینه را برای رشد تجاری کشور در بخش صادرات و واردات فراهم نماید. یکی از پیشنهادات کنفدراسیون صادرات ایران در حوزه تجارت خارجی به آقای رییس‌جمهور هم درست همین موضوع بوده است. آنگاه می‌توان با همراهی و همکاری بخش خصوصی و همدلی با دولت، مسائل و مشکلات را حل‌وفصل نمود. ♦♦

با تلاش و نظرخواهی بسیار از فعالان اقتصادی و مجموعه‌های کارشناسی تدوین و تصویب‌شده، می‌تواند چراغ راه روشنی برای صادرات باشد. در واقع اگر دولت به این موضوع پایبند باشد که قبل از اجرای هر بخشنامه و دستورالعملی آن را با بخش خصوصی در میان گذاشته و حتی در مراحل تدوین از این بخش نظرخواهی کند، حتماً در مرحله اجرا با مشکلات جدی مواجه نخواهد شد؛ ضمن این‌که پیش‌آگهی نسبت به فرآیند اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها می‌تواند از بروز معضلات در لب مرزها و یا بازارهای هدف جلوگیری نماید. نکته بعدی وضع عوارض صادراتی است که باید با رعایت ملاحظات صادراتی صورت گیرد، چراکه در برخی مواقع، وضع این عوارض، صادرکنندگان را دچار مشکل کرده و علیرغم این‌که در قانون پیش‌بینی شده که بخشی از این عوارض به جهت نوسازی و بازسازی صنایع و تولیدکنندگان برگردد، این اتفاق رخ نمی‌دهد و منابع به خزانه دولت واریز شده و در مقابل به توسعه یا ارائه مشوق به صادرکنندگان بر نمی‌گردد. در عین حال، موضوع دیگر حل‌وفصل اختلافات فعالان اقتصادی با دولت بر سر شیوه‌های بازگشت ارز صادراتی است؛ به این معنا که همه فعالان اقتصادی با بازگشت ارز صادراتی مشکلی ندارند، اما شیوه‌های تکلیفی این فرآیند را دچار مشکل می‌نماید. در عین حال